




University of Tehran Press

Legislative History: General Principles and Usage

Reza Pourmohammadi¹  | Hosein Simaei Sarraf² 

1. Corresponding Author; Assistant Professor, Department of Islamic Law, Women and Family Research Institute, Qom, Iran. Email: r_pourmohammadi@sbu.ac.ir
2. Associate Professor, Department of Private Law, Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. Email: hsimaei@sbu.ac.ir

Article Info	Abstract
Article Type: Research Article	<p>In the Iranian legal system, use of legislative history (including parliamentary materials) in legal interpretation is quite prevalent. Judges and jurists always try to remain faithful to the legislative history and refrain from giving any interpretation contrary to it. Despite the role of legislative history in interpretation, it's been widely neglected in our legal literature. The following Article explores this matter with regard to Iranian law. It develops arguments based on legal theory, constitutional law, and thus affords deeper insight into the current discussion on legal methods. Despite the role of legislative history in legal interpretations, its nature, types and criteria are unclear and unresolved. In this article, I first provide a precise definition of legislative history and its types, and then I discuss the validity of legislative history and explain which legal schools can invoke legislative history based on the assumptions they have previously accepted. In the second part, I have stated the main criteria for applying legislative history in legal interpretation. Finally, (Part 3), I have tried to identify the main applications of legislative history in legal interpretation along with real examples in the Iranian legal system.</p>
Pages: 1-21	
Received: 2022/01/06	
Received in Revised form: 2022/04/09	
Accepted: 2022/05/22	
Published online: ----/--/--	
Keywords: <i>Guardian Council, Constitution, Intentionalism, Committee report.</i>	
How To Cite	Pourmohammadi, Reza; Simaei Sarraf, Hosein (2024). Legislative History: General Principles and Usage. <i>Public Law Studies Quarterly</i> , -- (--), 1-21. DOI: https://doi.com/10.22059/JPLSQ.2022.337678.3007
DOI	10.22059/JPLSQ.2022.337678.3007
Publisher	The University of Tehran Press. 



ضوابط استناد به تاریخ تقنینی در تفسیر حقوقی

رضا پورمحمدی^۱ | حسین سیمایی صراف^۲

۱. نویسنده مسئول؛ استادیار، گروه فقه و حقوق، پژوهشکده زن و خانواده، قم، ایران. رایانامه: r_pourmohammadi@sbu.ac.ir

۲. دانشیار گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. رایانامه: hsimaei@sbu.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: پژوهشی</p> <p>صفحات: ۲۱-۱</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۰۶</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۰۱/۲۰</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۰۱</p> <p>تاریخ انتشار برخط: ---/--/---</p> <p>کلیدواژه‌ها: شورای نگهبان، قانون اساسی، قصدگرایی، مشروع مذاکرات.</p>	<p>در نظام حقوقی ایران، استناد به تاریخ تقنینی (از جمله مشروح مذاکرات) از روش‌های رایج در تفسیر قوانین است. قضات و حقوقدانان همواره سعی می‌کنند تا در تفسیر قوانین به تاریخ تقنینی وفادار بمانند و از ارائه هر تفسیر خلاف آن پرهیز کنند. شورای نگهبان نیز در بسیاری از نظریات تفسیری به این روش پایبند بوده است. با وجود اهمیت ویژه تاریخ تقنینی، بحث از آن به‌طور باورنکردنی مورد غفلت عمومی واقع شده است. با انگیزه پرداختن به این خلاء علمی، در تحقیق حاضر تلاش شده است تا پس از فراغت از تعریف تاریخ تقنینی و معرفی گونه‌های آن، بحث ذیل دو بخش اصلی ارائه شود؛ در بخش اول اصلی‌ترین ضوابط استناد به تاریخ تقنینی معرفی شده است. این ضوابط با الهام از مباحث شأن نزول و قرینه غیرلفظی در اصول فقه بیان شده‌اند. در بخش دوم اصلی‌ترین کاربردهای تاریخ تقنینی در تفسیر حقوقی به‌همراه نمونه‌های واقعی در نظام حقوقی ایران شناسایی شده است.</p>
استناد	پورمحمدی، رضا؛ سیمایی صراف، حسین (۱۴۰۳). ضوابط استناد به تاریخ تقنینی در تفسیر حقوقی. <i>مطالعات حقوق عمومی</i> ، -- (---)، ۲۱-۱.
DOI	DOI: https://doi.com/10.22059/JPLSQ.2022.337678.3007
ناشر	مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.



۱. مقدمه

از سیدمصطفی عدل ملقب به منصورالسلطنه، یکی از اعضای کمیسیون تدوین قانون مدنی ایران، نقل شده است: «پس از تصویب قانون، صورت مذاکرات سوزانده شده است تا از آن پس حقوقدانان و قضات دادگستری هر جا به اشکالی در فهم ماده‌ای از آن برخوردند در تفسیر آن به جای مراجعه به منابع فقهی قدیم، یعنی نص‌های قدیم، به اصول حقوق جدید برگردند و بدین سان، قانون قدیم را در برابر مقتضیات زمان و مکان علم حقوق جدید توضیح دهند» (به نقل از طباطبائی، ۱۴۰۰: ۲۲۳). بر خلاف سیدمصطفی عدل، غالب حقوقدانان ایرانی اشتیاق چندانی به سوزاندن اسناد تاریخی - و یا حداقل مشروح مذاکرات - ندارند. بر عکس امروزه شورای نگهبان و همچنین بسیاری از حقوقدانان در نظریات تفسیری خود به مشروح مذاکرات استناد می‌کنند (برای نمونه ر.ک: پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۳۹۷: ۱۰۵؛ کاتوزیان، ۱۳۹۹: ۲۴۵). نگارنده در مقاله دیگری به تبیین مفصل تاریخ تقنینی (از جمله مشروح مذاکرات) پرداخته و دلایل موافقان و مخالفان استناد به آن را با حوصله‌ای بسیار بیان کرده است (پورمحمدی و سیمایی صراف، ۱۴۰۱). خود او نیز در گروه مخالفان استناد به تاریخ تقنینی است، با وجود این در این مقاله فرض را بر این گذاشته که اعتبار تاریخ تقنینی را پذیرفته‌ایم و می‌خواهیم در تفسیر به آن استناد کنیم. حال پرسش اصلی این است که ضوابط حاکم بر این استناد کدام‌اند؟ یعنی با فرض صحت استناد به تاریخ تقنینی، چه ضوابط و استانداردهایی بر این استناد حاکم است که باید رعایت شوند؟ همچنین تاریخ تقنینی در عمل چه کاربردهای عینی دارد؟ با انگیزه پاسخ به این پرسش‌ها، تحقیق حاضر ذیل سه بخش سامان یافته است: در بخش اول به اختصار به چیستی تاریخ تقنینی پرداخته شده و رایج‌ترین گونه‌های آن معرفی شده است. در بخش دوم، سعی شده با استفاده از برخی مطالعات در اصول فقه، ضوابطی برای استناد به تاریخ تقنینی ارائه شود. در آخر (بخش سوم)، تلاش شده تا اصلی‌ترین کاربردهای تاریخ تقنینی در تفسیر حقوقی به همراه نمونه‌های واقعی آن در نظام حقوقی ایران بیان شود.

۲. تعریف تاریخ تقنینی و گونه‌های آن

۲.۱. تعریف تاریخ تقنینی

به زبان ساده، سابقه تاریخی هر قانون را «تاریخ تقنینی»^۱ گویند که عبارت است از پیشینه و رویدادهایی که به تصویب یک قانون منجر می‌شود، جلسات گفت‌وگو و مشروح مذاکرات، گزارش‌های کمیسیون‌ها، بحث‌های مطرح شده در نهادهای مرتبط با قانونگذاری (مانند صحن مجلس و شورای نگهبان) (Garner,

1. legislative history

2009: 306; Kahandawaarachchi, 2007: 227; Dortzbach, 1996: 161-162) خواه به صورت رسمی ثبت شود یا غیررسمی. در تعریف مذکور، تاریخ تقنینی صرفاً شامل رویدادهای مقدم بر تصویب قانون می‌شود، اما برخی رویدادهای مؤخر را نیز شامل تاریخ تقنینی دانسته‌اند.^۲

پس از تعریف تاریخ تقنینی، احتمالاً این سؤال برای مخاطب حقوقی پیش خواهد آمد که تاریخ تقنینی در مباحث تفسیری چه جایگاهی دارد؟ آیا استناد به تاریخ تقنینی - همانند «قصدگرایی»^۳ و «هدف‌گرایی»^۴ - نوعی نظریه تفسیری است، یا باید آن را در زمره روش‌های تفسیری یا حتی قواعد و منابع تفسیری قلمداد کرد؟ بی‌گمان استناد به تاریخ تقنینی را نباید به‌مثابه «نظریه تفسیری» معرفی کرد، زیرا «نظریه تفسیری» عبارت است از مجموعه باورهای انسجام‌یافته درباره چگونگی فهمیدن قوانین و دیگر متون حقوقی (پورمحمدی، ۱۴۰۲: ۲۷). بر این اساس، استناد به تاریخ تقنینی را - به‌تنهایی - نمی‌توان یک نظریه تفسیری دانست، بلکه روش، منبع یا قاعده‌ای است که می‌تواند در اختیار مکاتب تفسیری قرار گیرد. به نظر ترجیح دارد استناد به تاریخ تقنینی به‌عنوان روشی در تفسیر قوانین معرفی شود، چراکه «روش»^۵ در واقع راهکاری است که مفسر برای فهم و آشکار کردن معنا و مقصود متن انتخاب می‌کند (بابایی، ۱۳۹۸: ۱۳). برای مثال اگر مفسری برای روشن شدن معنای قوانین، فقط یا در بیشتر موارد از معنای ادبی عبارات قانون کمک می‌گیرد، روش تفسیری‌اش را «روش ادبی» می‌نامند، همان‌طور که در ادبیات تفسیر قرآن، روش مفسری را که در تفسیر آیات قرآن کریم از دیگر آیات بهره می‌برد، «روش تفسیر قرآن به قرآن» می‌نامند. به‌نظر می‌رسد غالب نویسندگان حقوقی نیز استناد به تاریخ تقنینی را به‌مثابه روشی در تفسیر قوانین می‌دانند. برای نمونه کاتوزیان (۱۳۹۸، ج ۲: ۲۳۴-۲۴۵) و قیاسی (۱۳۹۸: ۴۶) به‌ترتیب استناد به تاریخ تقنینی را به‌عنوان «وسیله استنباط» و «روش تفسیر» معرفی کرده‌اند. از ظاهر تعریفی که جعفری لنگرودی از تفسیر ارائه می‌دهد نیز چنین برمی‌آید که وی استناد به تاریخ تقنینی را نوعی «روش» می‌داند، آنجا که می‌نویسد: «تفسیر کشف مقصود قانونگذار از طریق به‌کار بردن قواعد و مقررات ادبی، یا منطقی و یا از طریق سوابق تاریخی است» (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۰: ۱۳۶۵).

با وجود این معرفی تاریخ تقنینی به‌مثابه «منبع تفسیری» و همچنین «قاعده تفسیری» نیز بی‌راه نیست، زیرا «منبع تفسیری» عبارت است از «مآخذ مورد استناد مفسر در فرایند تفسیر» (پورمحمدی، ۱۴۰۱: ۳۲؛ طیب حسینی و همکاران، ۱۳۹۶: ۹۱)؛ و تاریخ تقنینی از باب اینکه همچون عرف و

1. legislative history: The background and events leading to the enactment of a statute, including hearings, committee reports, and floor debates. Legislative history is sometimes recorded so that it can later be used to aid in interpreting the statute.
2. See., North Haven Bd. Of Educ. V. Bell, 1982
3. intentionalism
4. purposivism
5. method

لغت‌نامه‌ها از منابع و مأخذ مورد استناد مفسر است، می‌تواند «منبع تفسیری» شناخته شود. همان‌طور که اطلاق «قاعده تفسیری» بر آن بلاشکال است، زیرا همچون قاعده اصالت حقیقت می‌تواند به‌عنوان «قاعده‌ای کلی شناخته شود که به‌وسیله آن استنباط معانی و شناخت چگونگی استفاده از آنها به‌دست می‌آید» (السبت، ۴۲۱ ق: ۳۰). بنابراین، معرفی «تاریخ تقنینی» به‌عنوان روش، منبع و قاعده تفسیری معقول است، هرچند روش ترجیح بیشتری دارد.

۲.۲. گونه‌های تاریخ تقنینی

پیش از هر نوع بررسی ضوابط و کاربردهای تاریخ تقنینی باید با گونه‌های آن آشنا شویم. گونه‌های تاریخ تقنینی بسته به ساختار سیاسی هر نظام حقوقی متفاوت‌اند، اما رایج‌ترین آنها در نظام حقوقی ایران عبارت‌اند از:

الف) مشروح مذاکرات: پیش از تصویب هر قانون، در صحن مجلس، در خصوص مفاد آن قانون بحث‌ها، مناظرات و نزاع‌هایی صورت می‌گیرد، دسته‌ای به آن اعتراض می‌کنند و آثار حقوقی زیانبار آن را یادآور می‌شوند، برخی نیز جانانه از آن دفاع می‌کنند؛ بعضی پیشنهادهای اصلاحی می‌دهند، و سرانجام نسبت به مواد اصلی و اصلاحات رأی می‌گیرند. مجموع اشکالات و پرسش‌هایی را که میان نمایندگان، وزرا و یا کمیسیون‌های تخصصی رد و بدل می‌شود، «مشروح مذاکرات» یا «مطالب پارلمانی»^۱ گویند، زیرا این امور همه در صحن مجلس و پارلمان اتفاق می‌افتد. مشروح مذاکرات در منظر بعضی -به خصوص امروزه- از ارزش تفسیری ویژه‌ای برخوردار است، چراکه مستندات متنی، صوتی و یا صوتی و تصویری بسیاری از آنها توسط نهادهای رسمی ثبت می‌شود. کاتوزیان در کاربرد این قسم از تاریخ تقنینی می‌نویسد: «با بررسی گفت‌وگوهای نمایندگان می‌توان به اهداف اجتماعی قانونگذار و مقصود واقعی او دست یافت و قانون را چنان تفسیر کرد که با اراده نویسنده‌اش منطبق باشد» (کاتوزیان، ۱۳۹۹: ۲۴۵). برای نمونه ذیل مشروح مذاکرات قانون مدنی، در خصوص ماده ۱۱۱۴ قانون مدنی گفت‌وگویی میان اورنگ و وزیر عدلیه صورت می‌گیرد. اورنگ می‌پرسد که آیا مطابق با اطلاق ماده ۱۱۴ قانون مدنی^۲، زوجه باید در هر منزلی که زوج معین می‌کند، سکنا گزیند یا اینکه منزل باید متناسب با شأن زوجه باشد؟ وزیر عدلیه در پاسخ می‌گوید: «بنده تصور می‌کنم خیلی روشن است مطلب... مسکن باید متناسب با زن باشد این یک حکم است و به جای خودش. یک حکم دیگر این است که زن آیا به خودی

1. parliamentary materials

۲. ماده ۱۱۴ قانون مدنی: «زن باید در منزلی که شوهر تعیین می‌کند سکنا نماید مگر آنکه اختیار تعیین منزل به زن داده شده باشد».

خود آزاد است که هر کجا بخواهد مسکن کند یا باید تابع شوهر باشد... [اما اینکه] آیا متناسب باشد یا نه در همان ماده ۱۱۰۷ ذکر شده است که محل باید متناسب با زن باشد» (نائینی، ۱۳۹۸: ۶۱۳-۶۱۴). همچنین می‌توان به کلام شهید بهشتی در تفسیر اصل ۵۶ قانون اساسی اشاره کرد که بیان می‌دارد: «اصل ۵۶ در طول ولایت فقیه است، چون اگر فقیه بخواهد اعمال ولایت کند مستقیماً که اعمال ولایت نخواهد کرد، بلکه قهراً آن ولایت را که دارد به وسیله مردم اعمال خواهد کرد» (مشروح مذاکرات، ۱۳۶۴، ج ۱: ۵۳۶). این گزارش‌ها بخشی از تاریخ تقنینی قانون اساسی و قانون مدنی محسوب می‌شوند.

ب) پیش‌نویس قانون: همواره قبل از تصویب هر قانون، پیش‌نویسی از آن به‌وسیله جمعی از نمایندگان و به کمک حقوقدانان تهیه می‌شود و در مجالس قانونگذاری مورد گفت‌وگو قرار می‌گیرد. اغلب پیش‌نویس قانون دستخوش تغییرات و اصلاحات قرار می‌گیرد و با صورت نهایی (متن تصویب‌شده) تفاوت‌هایی خواهد داشت. پیش‌نویس یا پیش‌نویس‌های اولیه قانون که مورد تأیید نمایندگان قرار نگرفته‌اند نیز می‌توانند کاشفیت نسبتاً خوبی از قصد و اراده قانونگذاران داشته باشند (Blatt, 2001: 631; See also., Germain, 2003: 93-95; Kahandawaarachchi, 2007: 227). برای نمونه پیش‌نویس اولیه اصل ۲۳ قانون اساسی که در آن آمده بود: «همه افراد ملت اعم از زن و مرد، در برابر قانون مساوی‌اند» پذیرفته نشد و در اصل ۲۰ قانون اساسی به این نحو تغییر کرد که «همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند». این تغییر به‌خوبی نشان می‌دهد که نویسندگان قانون اساسی قصد داشته‌اند که برابری را به فراتر از برابری در مقابل قانون ارتقا دهند.

ج) الگوهای مدنظر قانونگذار: یکی از منابع تاریخ تقنینی را می‌توان الگوهای مدنظر و الهام‌بخش به قانونگذار دانست. کاتوزیان اصرار دارد که «با استفاده از نظرها و رویه‌هایی که در زمان تصویب قانون مورد توجه بوده و مسلم است که در تدوین مواد از آنها الهام گرفته شده است» باید به تفسیر قانون پرداخت (کاتوزیان، ۱۳۹۹: ۲۴۷). برای مثال نویسندگان قانون اساسی ایران از قانون اساسی فرانسه الگوبرداری کرده‌اند (بابایی، ۱۳۹۴: ۴۷؛ ملک‌زاده، ۱۳۹۰: ۳۴؛ منتظری، بی‌تا، ج ۱: ۴۵۱). در خصوص قانون مدنی ایران نیز سیدمحمد فاطمی قمی (نویسنده اصلی قانون مدنی) تصریح می‌کند که الگوی ما در تدوین قانون، قانون مدنی فرانسه بوده است (فاطمی قمی، ۱۳۹۴: ۱۰۵)؛ البته قانون مدنی ایران بیشتر در ساختار از قانون فرانسه پیروی کرده، اما محتوای آن اغلب برگرفته از فقه امامیه است. بر

۱. فارغ از مشابهت در دسته‌بندی مطالب، برخی مواد قانون مدنی ایران به‌عینه برگردان فارسی از قانون مدنی فرانسه هستند. برای نمونه مواد ۲۶۹، ۳۰۱ و ۳۰۲ قانون مدنی ایران به‌ترتیب عیناً ترجمه مواد ۱۲۳۸، ۱۳۷۶ و ۱۳۷۷ قانون مدنی فرانسه هستند.

همین اساس برخی گفته‌اند: «برای تعیین اراده نویسندگان قانون مدنی، مراجعه به عقاید مشهور فقهای امامیه و به‌ویژه کتاب‌های لمعه، شرایع محقق، تذکره علامه و مکاسب شیخ مرتضی انصاری بسیار مفید است» (کاتوزیان، ۱۴۰۰: ۲۲۳).

(د) تاریخ شفاهی: همه تاریخ تقنینی به صحن مجلس محدود نمی‌شود، بلکه گاهی منازعات و گفت‌وگوهای بدنه قانونگذاری به بیرون از صحن مجلس کشیده می‌شود. برای نمونه می‌توان به اصل ۱۱۵ قانون اساسی اشاره کرد. در اصل مذکور آمده است: «رئیس‌جمهور باید از میان رجال مذهبی و سیاسی... انتخاب گردد». مشروح مذاکرات بررسی نهایی قانون اساسی نشان می‌دهد که در مورد شرط ذکوریت میان نمایندگان اختلاف نظر وجود داشته است. شهید بهشتی در این رابطه در حسینیه ارشاد بیان می‌دارد: «عده‌ای ریاست جمهوری زنان را مطابق با قانون اساسی و عده‌ای خلاف قانون اساسی می‌دانستند... ابتدا این اصل را طوری تنظیم کرده بودند که صریحاً می‌خواست بگوید از منظر اسلام بانوان نمی‌توانند رئیس‌جمهور شوند که این رأی نیاورد، چون آرای مخالف حتی از فقهای در جلسه زیاد بود بنابراین به این صورت آمد که قانون اساسی به بن‌بست کشیده نشود» (بهشتی، ۱۳۸۰: ۳۳-۳۴). این گزارش بخشی از تاریخ تقنینی قانون اساسی را شکل می‌دهد و باب ارائه تفاسیر خلاف ظاهر از واژه «رجال» را باز می‌کند؛ اما همان‌طور که ملاحظه می‌شود این گزارش در فضایی خارج از صحن مجلس و فضای قانونگذاری اعلام شده است. در ادبیات حقوقی آمریکا، این قسم از تاریخ تقنینی با عنوان «تاریخ شفاهی»^۱ شناخته می‌شوند که اجماعاً فاقد اعتبارند (Fleischer, 1991: 449-450; Bydliniski, 2012: 414). اما در نظام حقوقی ما ظاهراً تفاوت چندانی میان در اصل اعتبار گونه‌های تاریخ تقنینی وجود ندارد، هرچند در میزان اعتبار تفاوت بسیار است.

(ه) فقه: یکی از اصلی‌ترین منابع تاریخ تقنینی در کشور ما فقه امامیه است. نقش فقه در تدوین برخی قوانین مانند قانون مدنی ایران به‌حدی پررنگ است که عده‌ای این قانون را «ترجمه عبارات فقها» (پاشا صالح، ۱۳۹۶: ۲۶۱) یا «تدوین فقه امامیه موجود به‌صورت فقه کشوری» (امین، ۱۳۸۶: ۵۴۱ و ۵۴۳) خوانده‌اند. طبیعی است که در تفسیر قوانین نیز فقه همواره به‌عنوان یک بازیگر اصلی مورد توجه قضات و علمای حقوق بوده است. کاتوزیان در این باره می‌نویسد: «دادرس وظیفه دارد قوانین را چنان تفسیر کند که به موازین اسلامی و احکام آن برخورد نکند؛ حرامی را حلال نسازد و حلالی را حرام نکند» (کاتوزیان، ۱۳۹۹: ۱۲۵). برخی همچون سیدحسن امامی حتی در زمانی که معنای قانون روشن است و - به قول او- حتی به قیمت متوسل شدن به «تفسیر وسیع یا تأویل بعید» (امامی، ۱۳۸۶، ج ۴: ۳۹-۴۰)

سعی می‌کنند تا تفسیر قانون را با فقه سازگار سازند.^۱ در میان حقوقدانان ایرانی، جعفری لنگرودی بیشترین تأکید را بر اهمیت فقه در تفسیر حقوقی دارد. وی در این باره می‌نویسد:

«در تشریح مقاصد نویسنده قانون مدنی به‌ویژه موادی که از فقه اسلام گرفته شده است دو طرز تفکر در این هفتاد سال ارائه شده است: اول) طرز فکر اهل اجتهاد که مطالب قانون مدنی را به کتاب و سنت عرضه می‌دارند و هر نفی و اثباتی که می‌کنند به مقیاس کتاب و سنت می‌کنند حتی اگر به عقل استناد نمایند... معتمد که در طریح حمایت از فرهنگ تشیع که رکن استقلال و تمامیت کشور ایران است باید ایران راه را طی کرد... دوم) طریقه تبعیت از الفاظ و عبارات متون قوانین موضوعه... علامت بارز پیروان این طرز فکر این است که در مستندات و ادله آنان تمسک به احادیث و آثار اهل بیت عصمت و طهارت به شیوه فقها دیده نمی‌شود؛ راهی دارند جدا از کتاب و سنت...» (جعفری لنگرودی، ۱۴۰۰: ۴۲۰).

۳. ضوابط استناد به تاریخ تقنینی

در این بخش با ایده گرفتن از مطالعاتی که در آثار اصولیان در خصوص «سیاق برون‌متنی» و «شان نزول» وجود دارد، سه ضابطه اصلی در استناد به تاریخ تقنینی ارائه می‌شود:

۳.۱. عدم اختصاص عموماً قانونی به مورد تاریخ تقنینی

یکی از اشتباه‌های رایج در استناد به تاریخ تقنینی این است که مفسر عموماً قانون را مختص به مورد و سیاقی می‌داند که قانون در آن مورد و سیاق وضع شده است. برای مثال اصلاحیه ۱۴ قانون اساسی آمریکا مقرر می‌دارد: «همه افراد^۲ از حقوق مساوی برخوردارند».^۳ در تاریخ تقنینی این قانون ملاحظه می‌شود که قانون مذکور ابتدا برای ایجاد برابری میان سیاه‌پوستان و سفیدپوستان وضع شده است. برخی با استناد به همین تاریخ تقنینی، باور پیدا کرده‌اند که هرچند عبارت «همه افراد» عام است، ولی باید مفاد

۱. «نویسندگان شرح حقوق مدنی و همچنین حقوقین تجربی که عملاً با حقوق سروکار دارند مانند دادرسان و وکلای دادگستری در اثر انس به حقوق جعفری که سالیان متمادی در کشور ایران حکفرمایی می‌نموده است، سعی دارند تمامی مواد قانون مدنی را با مقررات حقوق اسلام منطبق نمایند؛ اگرچه در این امر به تفسیر وسیع یا تأویل بعید متوسل شوند. نگارنده این کتاب نیز در نوشتن جلد اول، دوم و سوم حقوق مدنی و همچنین در این جلد از این روش پیروی نموده» (امامی، ۱۳۸۶، ج ۴: ۳۹-۴۰).

2. All persons

3. Section 1. All persons born or naturalized in the United States, and subject to the jurisdiction thereof, are citizens of the United States and of the State wherein they reside. No State shall make or enforce any law which shall abridge the privileges or immunities of citizens of the United States; nor shall any State deprive any person of life, liberty, or property, without due process of law; nor deny to any person within its jurisdiction the equal protection of the laws.

آن را صرفاً محدود به برابری حقوق سیاه‌پوستان و سفیدپوستان دانست (*Sugarman v. Dougall*, 1973; See also., Farnsworth, 2000). همان‌طور که بسیاری از حقوقدانان اشاره کرده‌اند، در اینجا تاریخ تقنینی صرفاً بیان‌کننده انگیزه‌ای است که موجب تحریک قانونگذار برای تصویب قانون شده است و این‌طور نیست که عمومات قانونی صرفاً مختص به آن باشد (See., United States Congress House Committee, 1984: 572).

در ادبیات اصول فقه گفته می‌شود که «مورد روایت» یا «شأن نزول» مخصّص عمومات نیست (ر.ک: علم‌الهدی، ۱۳۷۶، ج ۱: ۳۰۷؛ علامه حلی، ۱۳۸۰: ۱۵۱؛ اصفهانی، ۱۴۲۹ق، ج ۳: ۳۳۸؛ قمی، ۱۴۳۰ق، ج ۲: ۱۳۹؛ اصفهانی، ۱۴۰۴ق: ۲۷۶؛ کلباسی، بی‌تا: ۸۰۱؛ رشتی، بی‌تا: ۲۵۲). در این زمینه قاعده‌ای نسبتاً پذیرفته وجود دارد که به قاعده «المورد لا یخصص الوارد» شهرت یافته است (ر.ک: حسینی عاملی، ۱۴۱۹ق، ج ۱۸: ۴۱۰؛ حسینی مراغی، ۱۴۱۷ق، ج ۱: ۱۶۰؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۱: ۲۱۵، ج ۱۵: ۴۵۰، ج ۱۷: ۹۴، ج ۲۵: ۲۶۲، ج ۴۱: ۲۹۳، ۳۵۷؛ مظفر، ۱۳۷۵، ج ۲: ۲۹۸؛ طباطبایی حکیم، ۱۴۱۴ق، ج ۲: ۵۶، ج ۵: ۴۰۶، ۴۴۲؛ حاج عاملی، ۱۴۲۴ق، ج ۲: ۱۹۴). شهید ثانی (۹۶۵ق) در این باره می‌نویسد: «العبرة بعموم اللفظ، لا بخصوص السبب؛ ملاک [در تفسیر متون] عمومیت لفظ است، نه خاص بودن موردی که لفظ در آن صادر شده است» (شهید ثانی، ۱۴۱۶ق: ۲۱۶). بنابراین عمومات قانونی را نباید مختص به تاریخ تقنینی دانست.

۲.۳. عدم مخالفت تاریخ تقنینی با دلیل قوی‌تر

تاریخ تقنینی در منظر پیروان آن فاقد اعتبار ذاتی بوده و صرفاً اعتبار آن به دلیل کاشفیتی است که می‌تواند نسبت به اراده تقنینی^۲ قانونگذار داشته باشد (Windscheid, 1891: 52). از این امر بسیار مهم می‌توان نتیجه گرفت که ظهور حاصل از تاریخ تقنینی صرفاً پذیرفته می‌شود که از سایر ادله قوی‌تر بوده و کاشفیت بیشتری نسبت به قصد و هدف قانونگذار داشته باشد. به عبارت دقیق‌تر، معنایی که از متن قانون برای مخاطب شکل می‌گیرد بر دو نوع است:

الف) گاهی نسبت به معنای متن چند احتمال وجود دارد، اما یکی از این احتمالات بر دیگر احتمالات ترجیح دارد. چنین حالتی را در اصطلاح «ظهور» می‌نامند که حالتی میان اجمال و صراحت است، و چنین

1. ("We doubt very much whether any action of a State not directed by way of discrimination against the negroes as a class, or on account of their race, will ever be held to come within the purview of [the Equal Protection Clause]. It is so clearly a provision for that race and that emergency, that a strong case would be necessary for its application to any other.")

2. Legislative intent

متنی را «ظاهر»^۱ گویند (قمی، ۱۴۳۰ق، ج ۲: ۲۲۸). در صورت تعارض میان تاریخ تقنینی و معنای ظاهری، بسیاری بر این باورند ظهور تاریخ تقنینی - به مثابه سیاق برون متنی - قوی تر از ظهور ناشی از وضع مفردات متن قانون است. از این رو قصدگرایان و هدف گرایان در چنین مواردی، به سادگی ظهورات مفردات متن قانون را کنار می زنند و تفاسیری مطابق با تاریخ تقنینی ارائه می کنند (See., U.S. v. American Trucking Associations, 1940; U.S. v. Dickerson, 1940) در واقع، قاعده حمل الفاظ بر معنای عرفی که همواره مانع از استناد به تاریخ تقنینی بوده است، در منظر قصدگرایان و هدف گرایان نسبتاً بی ارزش است (See., Boston Sand & Gravel Co. V. U.S., 1928). برای تعارض میان ظهور وضعی و ظهور ناشی از تاریخ تقنینی می توان به اصل ۱۱۵ قانون اساسی اشاره کرد. در اصل مذکور آمده است: «رئیس جمهور باید از میان رجال مذهبی و سیاسی... انتخاب گردد». معنای وضعی واژه «رجل» عبارت است از مردان. مشروح مذاکرات بررسی نهایی قانون اساسی نشان می دهد که در مورد شرط ذکوریت میان نمایندگان اختلاف نظر وجود داشته است. شهید بهشتی در این زمینه بیان می دارد: «عده ای ریاست جمهوری زنان را مطابق با قانون اساسی و عده ای خلاف قانون اساسی می دانستند... ابتدا این اصل را طوری تنظیم کرده بودند که صریحاً می خواست بگوید از منظر اسلام بانوان نمی توانند رئیس جمهور شوند که این رأی نیاورد، چون آرای مخالف حتی از فقهای در جلسه زیاد بود بنابراین به این صورت آمد که قانون اساسی به بن بست کشیده نشود» (بهشتی، ۱۳۸۰: ۳۳-۴۳). در مثال مذکور، با استناد به تاریخ تقنینی می توان ظهور واژه «رجل» در معنای مردان را که ناشی از وضع است کنار زد (برای مطالعه بیشتر در خصوص تفسیر اصل ۱۱۵ قانون اساسی ر.ک: پورمحمدی، ۱۴۰۲).

ب) گاهی معنای متن به قدری روشن و واضح است که در تفسیر آن صرفاً یک احتمال بیشتر وجود ندارد، چنین حالتی را به اصطلاح «صراحت» می نامند و آن متن را «صریح» یا «نص»^۲ گویند (محقق حلی، ۱۴۲۳ق: ۱۵۳؛ قمی، ۱۴۳۰ق، ج ۱: ۳۸۲؛ مظفر، ۱۳۷۵، ج ۱: ۳۰). بدون شک دلالت نص قوی تر از ظهوری است که از تاریخ تقنینی به دست ما می دهد. برای مثال اگر مشروح مذاکرات نشان می دهد که منظور از «بلوغ» در قانون «الف» صرفاً بلوغ و رشد اقتصادی است اما در مقدمه همان قانون تصریح شده است که منظور بلوغ شرعی است، به مشروح مذاکرات اعتنا نمی شود.

۳.۳. اصل عدم اعتبار تاریخ تقنینی

با توجه به ارزشی که تاریخ تقنینی در برخی مکاتب تفسیری دارد، همواره این احتمال وجود دارد که برخی نمایندگان یا حتی کارمندان مجلس دست به تاریخ سازی در حمایت از تفسیری بزنند که مفاد آن

1. apparent, obvious, pre-interpretive meaning
2. clear textual meaning

هرگز نمی‌توانست موافقت غالب نمایندگان را جلب کند. چه بسا در میان مستندات تاریخ تقنینی، برخی داده‌های تاریخی جعلی و دستکاری شده یافت شود (Nelson, 2005: 347). مصادیق تاریخ‌سازی در حمایت از تفاسیر بسیار است. عبدالوهاب حومد، حقوقدان سوری می‌نویسد: «از خاطرات شخصی من هنگام عضویت در مجلس شورای اسلامی این است که کشف کردم کارمندی که مأمور چاپ قوانین است، بر خلاف آنچه مجلس مقرر کرده، دست به تحریف بعضی نصوص زده است که بعد از مناقشه‌ای طولانی، نص تصحیح گردید، ولی کارمند به عذر اینکه متوجه نبوده است به مجازات اندکی محکوم شد» (حومد، ۱۹۸۳: ۴۳۶). در نظام حقوقی آمریکا نیز می‌توان به تاریخ‌سازی برای «قانون محاکمه سریع»^۱ مثال زد (Slawson, 1992: 384).

حال این سؤال وجود دارد که در صورت شک در واقعی یا ساختگی بودن تاریخ تقنینی چه باید کرد؟ پاسخ به این پرسش را می‌توان در ادبیات اصول فقه ذیل «شک فی وجود القرینه» پیگیری کرد (محقق داماد و همکاران، ۱۴۰۱: ۲۴۳). اصولیان بر این باورند که در صورت شک در اعتبار قرائن تاریخی که پذیرش آنها بر تفسیر متون تأثیر می‌گذارد، اصل بر عدم اعتبار است، مگر اینکه خلاف آن ثابت شود. در واقع در چنین فرضی اصولیان با اجرای «اصالت عدم قرینه»، احتمال وجود قرینه را منتفی دانسته و آن را کالعدم می‌دانند (محقق داماد و همکاران، ۱۴۰۱: ۲۴۳). بر این اساس، اگر مفسر در هنگام تفسیر، نسبت به اعتبار تاریخ تقنینی شک کرد، باید اصل را بر جعلی بودن تاریخ تقنینی بگذارد و آن را بی‌اعتبار بداند. البته اگر مفسر نسبت به حقیقی بودن تاریخ تقنینی اطمینان داشته اما نسبت به مقدار دلالت آن دچار ابهام شده است، در این صورت نمی‌تواند تاریخ تقنینی را نادیده بگیرد، بلکه در اینجا تاریخ تقنینی متناسب با اتصال یا انفصالش نسبت به متن قانون، می‌تواند موجب اجمال آن شود (ر.ک: عبدالساتر، ۱۴۱۷ق، ج ۷: ۱۷۷، ج ۹: ۳۱۹؛ کاظمی خراسانی، ۱۳۷۶، ج ۴: ۷۱۸).

۴. کاربرد تاریخ تقنینی

برای تاریخ تقنینی کاربردهای متعددی قابل تصور است. در ادامه به اصلی‌ترین کاربردهای آن در تفسیر حقوقی خواهیم پرداخت:

۱.۴ تبیین مجمل

در بسیاری از موارد، تاریخ تقنینی می‌تواند در شناخت عبارات مبهم و مجمل در قانون مفید واقع شود. در ادامه به برخی نمونه‌ها اشاره خواهیم کرد:

۱. ماده ۱۰۴۳ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «نکاح دختری که هنوز شوهر نکرده اگرچه به سن بلوغ رسیده باشد موقوف به اجازه پدر یا جد پدری اوست». بر اساس معنای ظاهری این قانون، موقوف بودن نکاح به اجازه پدر یا جد پدری اختصاص به دختری دارد که «هنوز شوهر نکرده» و چنانچه دختری شوهر کرده باشد دیگر نیازی به اجازه ندارد. اما بسیاری از شارحان قانون مدنی با استناد به فتاوی فقهی گفته‌اند که منظور از «دختری که هنوز شوهر نکرده» دختر باکره است. بنابراین اگر دختری شوهر کرده و همچنان باکره است نیاز به اجازه پدر یا جد پدری دارد. استناد به فتاوی فقهی به‌عنوان الگو و منبع مدنظر قانونگذار از نمونه‌های استناد به تاریخ تقنینی است.

۲. اصل ۱۴۴ قانون اساسی مقرر می‌دارد: «ارتش جمهوری اسلامی ایران باید ارتشی اسلامی باشد». مفهوم اسلامی بودن ارتش در متن مذکور دچار درجه‌ای از ابهام است، از این‌رو برای سرپرست اداره سیاسی-ایدئولوژیک ارتش این سؤال مطرح شده که آیا خدمت نظام وظیفه اقلیت‌های مذهبی منافاتی با اسلامی بودن ارتش دارد و باید خارج از ارتش صورت گیرد یا خیر؟ پاسخ این پرسش را می‌توان در مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی یافت. آنجا که نماینده اقلیت‌های زرتشتی پرسیده است: «افراد اقلیت در این ارتش چکاره هستند؟ اگر به طوری که در اصل ۱۲۶ و قیود آن آمده است که همه افراد ملت ایران همواره توانایی دفاع مسلحانه از کشور و از جمهوری اسلامی می‌توانند داشته باشند، در این صورت آیا اقلیت ما می‌توانند در این ارتش می‌توانند شرکت کنند یا نه؟ و آیا می‌توانند خدمت مقدس سربازی انجام دهند؟». نایب‌رئیس در پاسخ می‌گوید: «حتماً باید اقلیت‌ها هم خدمت نظام انجام داده باشند، یعنی همه آن‌ها هم بایستی برای دفاع از کشور در جمهوری اسلامی تربیت شوند» (مشروح مذاکرات، ۱۳۶۴، ج ۳: ۱۳۸۴).

۲.۴. شناخت اهداف

از کاربردهای رایج تاریخ تقنینی، استفاده از آن به منظور شناخت اهداف قانونگذار است. کاتوزیان با اشاره به این کاربرد می‌نویسد: «با بررسی گفت‌وگوهای نمایندگان می‌توان به اهداف اجتماعی قانونگذار و مقصود واقعی او دست یافت و قانون را چنان تفسیر کرد که با اراده نویسنده‌اش منطبق باشد... هدف قانونگذار و منبع اصلی این احکام را یافت» (کاتوزیان، ۱۳۹۹: ۲۳۷). برای نمونه بررسی اظهارنظرهای برخی نمایندگان مجلس بررسی نهایی قانون اساسی نشان می‌دهد که نویسندگان بر جنبه جهانی بودن قانون اساسی بسیار تأکید داشته‌اند. برای مثال حسن آیت، عضو هیأت رئیسه مجلس خبرگان قانون اساسی، بر این باور بود که در مورد شرایط رئیس‌جمهور باید نوشته شود: «مسلمان الاصل تا راه پیوند سایر کشورها به جمهوری اسلامی با شود... مطابق پیش‌نویس اگر علی بن ابی‌طالب [علیه‌السلام] زنده بود، نمی‌توانست رئیس‌جمهور ایران شود

چون نه ایرانی الاصل است و نه تبعه ایران ولی شاه سابق چراه، زیرا هم ایرانی است و هم ظاهراً مسلمان شناسنامه‌ای و سایر خصوصیات را دارد» (مشروح مذاکرات، ۱۳۶۴، ج ۱: ۷۴). این رویکرد در سخنان سیدجلال الدین فارسی هم کاملاً مشهود است» (ر.ک: مشروح مذاکرات، ۱۳۶۴، ج ۱: ۷۵-۷۶).

احتمالاً از دیگر اهداف نویسندگان قانون اساسی مقابله با سرمایه‌داری و حمایت از مستضعفان بوده است. این دیدگاه فارغ از اینکه در کلمات بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، امام خمینی کاملاً مشهود است (ر.ک: امینی، ۱۳۹۴: ۲۳-۸۰)، می‌توان آن را در آرای نویسندگان قانون اساسی نیز ملاحظه کرد. سیدمحمد کیوش در این زمینه می‌نویسد: «باید جهت‌گیری اسلام در نجات مستضعفان جهان روشن شود تا ملل رنجیده جهان بدانند که خورشیدشان کجاست... به‌طور کلی در تدوین قانون اساسی... باید... دگرگونی چشمگیری در وضع مردم [غذا، مسکن، بهداشت و غیره] پیش آورد. روابط اجتماعی مستضعفین را بهبود بخشید، رفع ظلم کند و محرومان را نجات دهد» (مشروح مذاکرات، ۱۳۶۴، ج ۱: ۴۹).

۳.۴. توسعه قانون

کاربرد دیگر تاریخ تقنینی، توسعه قانون و عبور از ظاهر الفاظ قانون است. کاتوزیان در این رابطه می‌نویسد: «با بررسی گفت‌وگوهای نمایندگان می‌توان... پا را از دایره ظهور الفاظ بیرون نهاد...» (کاتوزیان، ۱۳۹۹: ۲۳۷). برای این کاربرد می‌توان به پرونده جنجالی کلیسا ترینیتی علیه ایالات متحده اشاره کرد (*Church of the Holy Trinity v. United States, 1892*). در پرونده مذکور، کلیسا برای کشیشی انگلیسی‌تبار، وجوهی دریافت می‌کند تا به آمریکا سفر کند و کشیش مسئول کلیسا شود. ایالات متحده مدعی شده است که این عمل نقض قانون فدرال است که مقرر می‌دارد: «برای هر شخصی غیرقانونی است که به هر روشی برای جابه‌جایی وجهی را پیش‌پرداخت نماید یا به هر روشی به جابه‌جایی یا مهاجرت هر فرد بیگانه یا بیگانگان یا فرد خارجی یا خارجیان به ایالات متحده... برای هر نوع کار یا خدمت کمک کند یا به آن تشویق کند»^۱. از عموم مذکور برخی اصناف همانند بازیگران حرفه‌ای، خوانندگان، سخنرانان و هنرمندان استثنا شده‌اند، اما کشیش‌ها در فهرست استثناها وجود ندارند. با وجود این، دیوان عالی با استناد به تاریخ تقنینی (گزارش کمیته کنگره) استثنا را توسعه داد و آن را شامل تمامی «شاغلان فکری»^۲ از جمله کشیش‌ها دانست.

1. The Act of February 26, 1880, "to prohibit the importation and migration of foreigners and aliens under contract or agreement to perform labor in the United States, its Territories, and the District of Columbia," 23 Stat. 332, c. 164, does not apply to a contract between an alien, residing out of the United States, and a religious society incorporated under the laws of a state, whereby he engages to remove to the United States and to enter into the service of the society as its rector or minister.
2. Brain toilers

اما برای توسعه مفاد قانون در نظام حقوقی ایران می‌توان به نظریه تفسیری شورای نگهبان ذیل اصل ۷۵ قانون اساسی اشاره کرد. در اصل مذکور آمده است: «طرح‌های قانونی و پیشنهادهای و اصلاحاتی که نمایندگان در خصوص لوایح قانونی عنوان می‌کنند و به تقلیل درآمد عمومی یا افزایش هزینه‌های عمومی می‌انجامد، در صورتی قابل طرح در مجلس است که در آن طریق جبران کاهش درآمد یا تأمین هزینه جدید نیز معلوم شده باشد». رئیس مجلس طی استفساریه‌ای این پرسش را مطرح کرده است که آیا لزوم تأمین مالی شامل طرح‌های عالی شورای استان‌ها که به تصویب مجلس می‌رسد نیز می‌شود؟ شورای نگهبان در نظریه تفسیری شماره ۱۵۸۸۱/۳۰/۸۵ مورخ ۸۵/۴/۱ اعلام می‌دارد: «اصل هفتادوپنج قانون اساسی شامل هر طرحی که طبق قانون به مجلس ارائه گردد و بار مالی داشته باشد می‌شود» (شورای نگهبان، ۱۳۸۷: ۲۵۵). در این تفسیر، لزوم تأمین مالی به مصوبات شورای عالی استان‌ها نیز تعمیم داده شده است، حال آنکه اصل ۷۵ هیچ نامی از آن نیامده، تفسیر مذکور هرچند خلاف ظاهر اصل ۷۵ است، اما کاملاً با مشروح مذاکرات مجلس خبرگان قانون اساسی موافق است. در جلسه سی‌ودوم بررسی قانون اساسی، نایب‌رئیس مجلس خبرگان اعلام می‌دارد: «اگر قوه مقننه به قوه مجریه پیشنهادی بدهد که مستلزم این است که هزینه را بالا ببرد یا درآمدی را کم کند، باید به او بگوید که جای خالی را از کجا پر کند و نمی‌تواند ما تصویب کردیم حالا خودت جایش را پیدا کن. این قبل عمل نیست» (مشروح مذاکرات، ۱۳۶۴، ج ۲: ۸۴۷).

۴.۴. تضییق قانون

یکی دیگر از کاربردهای تاریخ تقنینی تضییق قانون است. تضییق همانند توسعه گونه‌ها مختلفی دارد، اما رایج‌ترین آنها عبارت‌اند از تخصیص و یا تقيید. در ادامه به چند نمونه تضییق قانون به موجب تاریخ تقنینی اشاره خواهیم کرد:

۱. ماده ۹۱۵ قانون مدنی بیان می‌دارد: «انگشتی که میت معمولاً استعمال می‌کرده و همچنین قرآن و رخت‌های شخصی و شمشیر او به پسر بزرگ او می‌رسد». عبارت «میت» در این ماده اطلاق داشته و شامل پدر و مادر می‌شود اما بسیاری از حقوقدانان با توجه به پیشینه فقهی مسئله حیوة که از گونه‌های تاریخ تقنینی است، آن را منحصر به موردی دانسته‌اند که میت پدر خانواده باشد (کاتوزیان، ۱۴۰۰: ۱۸۱؛ شهیدی، ۱۴۰۱: ۱۱۵).

۲. اصل ۹۹ قانون اساسی مقرر می‌دارد: «شورای نگهبان نظارت بر انتخابات مجلس خبرگان رهبری، ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و مراجعه به آرای عمومی و همه‌پرسی را بر عهده دارد». واژه «نظارت» مطلق بوده و گونه‌های مختلف آن را شامل می‌شود. اما منتظری، ریاست مجلس خبرگان

رهبری در نامه‌ای ابراز می‌دارد که منظور ما از واژه «نظارت» در اصل ۹۹ قانون اساسی صرفاً «نظارت بر انتخابات بود نه نظارت بر کاندیداها و تعیین صلاحیت یا اصلحیت آنان» (منتظری، ۱۳۸۲: ۱۰۴). دیدگاه مذکور، از نوع تاریخ شفاهی است و بخشی از تاریخ تقنینی قانون اساسی را تشکیل می‌دهد. در صورت پذیرش اعتبار آن، می‌تواند بر تفسیر ما از قانون تأثیر بگذارد.

۳. در نمونه دیگر می‌توان به اصل ۸۶ قانون اساسی اشاره کرد که در آن آمده است: «نمایندگان مجلس در مقام ایفای وظایف نمایندگی در اظهارنظر و رأی خود کاملاً آزادند و نمی‌توان آنها را به سبب نظراتی که در مجلس اظهار کرده‌اند یا آرای که در مقام ایفای وظایف نمایندگی خود داده‌اند تعقیب یا توقیف کرد». شورای نگهبان با استناد به مشروح مذاکرات ذیل اصل مذکور، اقدام به تخصیص واژه «کاملاً» نموده و مواردی را که اظهارنظر موجب توهین و هتک حرمت شود، قابل پیگیری دانسته است. در نمونه دیگری برای استناد به تاریخ تقنینی در توضیح موضوع می‌توان به نظریه تفسیری شورای نگهبان ذیل اصل ۱۳۵ قانون اساسی اشاره کرد. اصل مذکور مقرر می‌دارد: «رئیس‌جمهور می‌تواند برای وزارتخانه‌هایی که وزیر ندارند حداکثر برای مدت سه ماه سرپرست تعیین نماید». در نظریه تفسیری شورای نگهبان آمده است: «با توجه به اصول متعدد قانون اساسی و ظهور ذیل اصل ۱۳۵ و سابقه تاریخی وضع آن، رئیس‌جمهور نمی‌تواند شخصاً سرپرستی وزارتخانه‌هایی که وزیر ندارند را بر عهده بگیرد». واژه «سرپرست» اطلاق دارد و رئیس‌جمهور را نیز شامل می‌شود اما شورای نگهبان با استناد به تاریخ تقنینی آن را شامل خود رئیس‌جمهور ندانسته است.

۵.۴. شناخت معنای متعارف قانون در زمان تقنین

کاربردهای که تاکنون بیان شد برای مفسرانی است که برای قصد یا هدف قانون‌گذار ارزش قائل‌اند و در تفسیر به آن محوریت می‌دهند. به نظر می‌رسد که تاریخ تقنینی برای نص‌گرایان که صرفاً به معنای ظاهری متن^۱ وفادارند، نسبتاً بی‌ارزش است (Barak, 2005: 34; Boyce, 2015: 1135; Kent, 1826: 432; Marmor, 2014: 107; Patterson, 1964: 833; See Scalia & Garner, 2012: 79-91; See also The California Code of Civil Procedure, 1861).

قاضی مارشال، رئیس دادگستری ایالات متحده در سال‌های ۱۸۰۱ تا ۱۸۳۵ میلادی و از قضات نص‌گرا، جمله معروفی دارد مبنی بر اینکه «ما حکومت قانون هستیم، نه حکومت مشروح مذاکرات»^۲ (*Marbury v. Madison*, 1803). این ادعا که تاریخ تقنینی نزد نص‌گرایان بی‌ارزش است، نسبتاً ادعای

1. Ordinary Meaning.

2. "The government of the United States has been emphatically termed a government of laws, and not of men."

درستی است، زیرا نص گرایان هیچ یک از کاربردهای اصلی تاریخ تقنینی را نمی پذیرند. با این وجود، گاهی نص گرایان از تاریخ تقنینی به عنوان سندی تاریخی در شناسایی معنای عرفی قانون استفاده می کنند. توضیح بیشتر آنکه نص گرایان صرفاً خود را متعهد به تحصیل معنای عرفی متن قانون در زمان تقنین می دانند. برای مثال، اگر قانون اساسی در سال ۱۳۵۸ مقرر کرده است که رئیس جمهور باید از میان «رجال مذهبی و سیاسی» انتخاب شود. آنچه اهمیت دارد معنای عرفی عبارت «رجال مذهبی و سیاسی» در سال ۱۳۵۸ است. نص گرایان به منظور شناسایی معنای عرفی در آن زمان، سعی می کنند در خلال مطالعه اسناد قانونی، روزنامه ها و... معنای عرفی را به دست آورند. یکی از اسنادی که می تواند مفسر را در این زمینه راهنمای کند، تاریخ تقنینی است، چرا که می تواند نشان دهد که نمایندگان مجلس به عنوان مردم عادی، چه فهمی از عبارات متن قانون داشته اند. همان طور که ملاحظه می شود، این کاربرد از تاریخ تقنینی ماهیتاً با کاربردهای پیشین متفاوت است. در کاربردهای پیشین از تاریخ تقنینی برای کشف قصد و هدف قانون دار استفاده می شد، اما در اینجا از تاریخ تقنینی برای شناسایی معنای عرفی متن قانون استفاده می کنیم.

۵. نتیجه

در این مقاله تلاش شد با ایده گرفتن از آرای اصولیان امامیه در مباحث الفاظ و به طور مشخص نظریاتی که ذیل سیاق برون متنی و شأن نزول وجود دارد، برخی اصول و قواعد به منظور ضابطه مندسازی تاریخ تقنینی ارائه شود. به صورت کلی سه ضابطه ارائه شد: ۱. عدم اختصاص عمومات قانونی به مورد تاریخ تقنینی؛ ۲. عدم مخالفت تاریخ تقنینی با دلیل قوی تر و ۳. اصل عدم اعتبار تاریخ تقنینی. همچنین سعی شد تا کاربردهای عمده سیاق برون متنی و شأن نزول بر تاریخ تقنینی تطبیق داده شده و نمونه هایی عینی از نظام حقوقی ایران معرفی شود. البته در این پژوهش به بیان اصلی ترین ضابطه ها و کاربردها اکتفا شد و هنوز ظرفیت جدی برای توسعه بحث در این زمینه وجود دارد. از سؤالاتی که هنوز بی پاسخ مانده است، این است که شاید بتوان -یا باید- از ارائه یک نظریه و ضابطه عمومی نسبت به همه انواع تاریخ تقنینی خودداری کرد و به نوعی میان گونه های مختلف آن تفصیل قائل شد. همچنین ممکن است این تفصیل میان گونه ها مختلف قانون داده شود. برای مثال می توان بین قوانین برگرفته از شرع و قوانین غیرشرعی در ارزش تاریخ تقنینی تفاوت قائل شد؛ همان طور که ممکن است میان قانون اساسی و قوانین عادی یا آیین نامه ها چنین تفصیلی پذیرفته شود.

منابع

۱. فارسی

الف) کتابها

۱. امامی، حسن (۱۳۸۶). حقوق مدنی. چ بیست و هفتم، تهران: اسلامیه.
۲. امین، سیدحسن (۱۳۸۶). تاریخ حقوق ایران. چ اول، تهران: دایره المعارف ایران شناسی.
۳. امینی، ابراهیم (۱۳۹۴). امام خمینی (ره) و مستضعفان. تهران: سفیران امین.
۴. بابایی، علی (۱۳۹۴). معماهای سیاسی در ایران دوران انقلاب و بعد از انقلاب اسلامی، تهران: امید فردا.
۵. بابایی، علی اکبر (۱۳۹۸). بررسی مکاتب و روش های تفسیری. ج ۱، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۶. بهشتی، سیدمحمد (۱۳۸۰). مبانی نظری قانون اساسی. تهران: بقعه.
۷. پاشا صالح، علی (۱۳۹۶). سرگذشت قانون (مباحثی از تاریخ حقوق). چ چهارم، تهران: دانشگاه تهران.
۸. پژوهشکده شورای نگهبان (۱۳۹۷). قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران؛ به همراه نظرات تفسیری شورای نگهبان. محمد فتحی و کاظم کوهی اصفهانی، تهران: پژوهشکده شورای نگهبان.
۹. پورمحمدی، رضا (۱۴۰۲). درآمدی بر تفسیر حقوقی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۰. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۰). ترمینولوژی حقوق. تهران: گنج دانش.
۱۱. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۴۰۰). مجموعه محشی قانون مدنی (علمی تطبیقی تاریخی). چ هشتم، تهران: گنج دانش.
۱۲. شورای نگهبان (۱۳۸۹). مشروح مذاکرات شورای نگهبان دوره اول در سال ۱۳۵۹. تهران: معاونت تدوین، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات ریاست جمهوری.
۱۳. شهیدی، مهدی (۱۴۰۱). ارث. چ پانزدهم، تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد.
۱۴. طباطبائی، جواد (۱۴۰۰). ملت دولت و حکومت قانون (جستار در بیان نص و سنت). چ چهارم، تهران: مینوی خرد.
۱۵. طیب حسینی، سیدمحمد؛ خراسانی، علی؛ اکبری کارمزدی، محمد و مدبر، علی (۱۳۹۶). تفسیرشناسی. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۱۶. فاطمی قمی، سیدمحمد (۱۳۹۴). خاطرات سیاسی سید محمد فاطمی قمی. ویراسته محمد رضا نائینی و حسن زندیه، تهران: کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
۱۷. کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۹). شیوه تجربی تحقیق در حقوق. چ اول، تهران: گنج دانش.
۱۸. کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۹). فلسفه حقوق. ج ۲، تهران: گنج دانش.
۱۹. کاتوزیان، ناصر (۱۴۰۰). ارث. چ هفتم، تهران: میزان.
۲۰. کاتوزیان، ناصر (۱۴۰۰). مقدمه علم حقوق. تهران: گنج دانش.
۲۱. محقق داماد، سیدمصطفی، پورمحمدی، رضا و حسینی نسب، رضا (۱۴۰۱). اصول فقه تحلیلی، دفتر اول: تفسیر فقهی. قم: بوستان کتاب.

۲۲. مرکز تحقیقات شورای نگهبان (۱۳۸۷). مجموعه نظریات شورای نگهبان. ج ۱، تهران: دادگستر، جلد ۱.
۲۳. مشروح مذاکرات (۱۳۶۴). صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. تهران: اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی.
۲۴. ملک‌زاده، محمد (۱۳۹۰). مبانی دینی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۲۵. منتظری، حسینعلی (بی تا). خاطرات. بی جا: [بی نا].
۲۶. منتظری، حسینعلی (۱۳۸۲). دیدگاه‌ها. بی جا: [بی نا].
۲۷. نائینی، احمدرضا (۱۳۹۸). مشروح مذاکرات قانون مدنی. چ دوم، تهران: شرکت سهامی روزنامه رسمی کشور.

ب) مقالات

۲۸. پورمحمدی، رضا (۱۴۰۲). معنای «رجال مذهبی و سیاسی» در پرتو نظریات تفسیری قانون اساسی. مطالعات جنسیت و خانواده. ۱۰ (۱)، ۳۲-۷۱.
۲۹. پورمحمدی، رضا و سیمایی صراف، حسین (۱۴۰۱). جایگاه تاریخ تقنینی در تفسیر حقوقی. مجله حقوقی دادگستری. ۸۸ (۱۲۱)، ۴۵-۶۷.
۳۰. شریعتی، حمید (۱۳۴۳). در اجبار به انجام تعهد و بحث درباره کشف حقیقت قضائی و انشاء مادتين ۷۲۹ و ۷۳۰ قانون آیین دادرسی مدنی. کانون وکلا، ۸۹ (۱۶)، ۱۲۵-۱۳۹.

۲. عربی

الف) کتاب‌ها

۱. ابن شهید ثانی، حسن بن زین‌الدین (بی تا). معالم‌الدین و ملاذ‌المجتهدین. قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
۲. اصفهانی، محمدتقی بن عبدالرحیم (۱۴۲۹ق). هدایة‌المسترشدین فی شرح أصول معالم‌الدین. ج ۲، چ دوم، قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
۳. اصفهانی، محمدحسین بن عبدالرحیم (۱۴۰۴ق). الفصول‌الغرویة فی الأصول‌الفقهیة. چاپ ۱، قم: دار احیاء العلوم الإسلامیة.
۴. تقوی‌اشتهاردی، حسین (۱۴۱۸ق). تنقیح‌الأصول. ج ۱، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
۵. حاج‌عاملی، محمد حسین (۱۴۲۴ق). إرشاد‌العقول الی مباحث‌الأصول (تقریرات درس خارج آیت‌الله سبحانی). ج ۲، قم: مؤسسه امام صادق (ع).
۶. حائری اصفهانی، محمدحسین بن عبدالرحیم (۱۴۰۴ق). الفصول‌الغرویة فی الأصول‌الفقهیة. قم: دار احیاء العلوم الإسلامیة.
۷. حسینی عاملی، محمدجواد بن محمد (۱۴۱۹ق). مفتاح‌الکرامه فی شرح قواعد‌العلامه. چاپ ۱، قم: مؤسسه النشر الإسلامی. جلد ۱۸.
۸. حسینی مراغی، عبد‌الفتاح بن علی (۱۴۱۷ق). العناوین‌الفقهیة. ج ۱، چ دوم، قم: مؤسسه النشر الإسلامی.

۹. حومد، عبدالوهاب (۱۹۸۳م). *دراسات معمقة فى الفقه الجنائى المقارن*. كويت: جامعة الكويت.
۱۰. رشتى، حبيب الله بن محمد على (بى تا). *بدائع الأفكار*. قم: مؤسسة آل البيت (عليهم السلام) لإحياء التراث.
۱۱. السبت، خالد بن عثمان (۱۴۲۱ق). *قواعد التفسير جمعاً ودراسةً*، مصر: دار ابن عفوان.
۱۲. شهيد ثانى، زين الدين بن على (۱۴۱۶ق). *تمهيد القواعد*. قم: دفتر تبليغات اسلامى حوزه علمية قم، مركز انتشارات.
۱۳. طباطبايى حكيم، محمدسعيد (۱۴۱۴ق). *المحكم فى أصول الفقه*. ج ۲ و ۵، قم: مؤسسه المنار.
۱۴. عبدالساتر، حسن (۱۴۱۷ق). *بحوث فى علم الأصول* (تقريرات درس خارج شهيد صدر). ج ۷ و ۹، بيروت: الدار الإسلامية.
۱۵. علامه حلى، حسن بن يوسف (۱۳۸۰). *تهذيب الوصول إلى علم الأصول*. محمد حسين رضوى كشميرى. ج اول، لندن: مؤسسه الامام على (ع).
۱۶. علم الهدى، على بن الحسين (۱۳۷۶). *الذريعة إلى أصول الشريعة*. ابوالقاسم كرجى. ج ۱، چ اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۷. قمى، ميرزا ابوالقاسم (۱۴۳۰ق). *القوانين المحكمه فى الأصول*. ج ۱، قم: احياء الكتب الاسلاميه.
۱۸. كاظمى خراسانى، محمدعلى (۱۳۷۶). *فوائد الأصول* (تقريرات درس خارج ميرزاى نائينى). ج ۴، قم: جماعة المدرسين فى الحوزة العلمية.
۱۹. كلاترى، ابوالقاسم (۱۳۸۳). *مطرح الأنظار (تقريرات درس خارج شيخ انصارى)*. ج ۱، قم: مجمع الفكر الإسلامى.
۲۰. كلباسى، محمد بن محمدابراهيم (بى تا). *رسائل المحقق الكلباسى*. قم: [بى نا].
۲۱. محقق حلى، جعفر بن حسن (۱۴۲۳ق). *معارج الأصول*. محمد حسين بن رضوى كشميرى. ج اول، لندن: مؤسسه امام على (ع).
۲۲. مظفر، محمدرضا (۱۳۷۵). *أصول الفقه*. ج ۲، قم: اسماعيليان.
۲۳. نجفى، محمدحسن بن باقر (۱۴۰۴ق). *جواهر الكلام فى شرح شرائع الإسلام*. عباس قوچانى و على آخوندى. ج ۱، ۱۵، ۱۷، ۲۵ و ۴۱، بيروت: دار إحياء التراث العربى.

۳. انگلیسی

A) Books

1. Barak, A. (2005). *Purposive Interpretation in Law*. Princeton University Press.
2. Bydlinski, F. (1991). *Juristische Methodenlehre und Rechtsbegriff*. Springer.
3. Garner, B. A. (2009). *Black's Law Dictionary, Standard Ninth Edition*.
4. Kent, J. (1826). *Commentaries on American Law*. O. Halsted.
5. Marmor, A. (2014). *The Language of Law*. Oxford University Press.
6. Scalia, A., & Garner, A. B. (2012). *Reading law: The interpretation of legal texts*. Thomson/West.
7. United States Congress House Committee. (1984). *Hearings on the Reauthorization of the Higher Education Act*. U.S. Government Printing Office.
8. Windscheid, B. (1891). *Lehrbuch des Pandektenrechts*. Facsimile Publisher.

B) Articles

9. Blatt, W. (2001). Interpretive Communities: The Missing Element in Statutory Interpretation. *Nw. U. L. Rev.*, 95, 629.
10. Boyce, M. (2015). Ordinary Meaning, a Theory of the Most Fundamental Principle of Legal Interpretation, by Brian G. Slocum. *Osgoode Hall Law Journal*, 53, 1124.
11. Dortzbach, K. R. (1996). Legislative History: The Philosophies of Justices Scalia and Breyer and the Use of Legislative History by the Wisconsin State Courts. *Marquette Law Review*, 80(1), 161.
12. Farnsworth, W. (2000). *Women Under Reconstruction: The Congressional Understanding* (SSRN Scholarly Paper ID 252495; Issue ID 252495). Social Science Research Network. <https://doi.org/10.2139/ssrn.252495>
13. Fleischer, H. (2012). Comparative Approaches to the Use of Legislative History in Statutory Interpretation. *The American Journal of Comparative Law*, 60(2), 401-437.
14. Germain, C. (2003). Approaches to Statutory Interpretation and Legislative History in France. *UF Law Faculty Publications*. <https://scholarship.law.ufl.edu/facultypub/158>
15. Hoy, David Couzens (1992). Intentions and the Law: Defending Hermeneutics. In *Legal Hermeneutics: History, Theory, and Practice* (pp. 173-186). University of California Press. <https://doi.org/10.1525/9780520329386-010>
16. Kahandawaarachchi, T. (2007). Use of Legislative History in Statutory Interpretation. *Journal of the Indian Law Institute*, 49(2), 223-239.
17. Nelson, C. (2005). What Is Textualism? *Virginia Law Review*, 91(2), 347-418.
18. Patterson, E. P. (1964). The Interpretation and Construction of Contracts. *Columbia Law Review*, 64(5), 833. <https://doi.org/10.2307/1120825>
19. Slawson, D. (1992). Legislative History and the Need to Bring Statutory Interpretation under the Rule of Law. *Stanford Law Review*, 44(2), 383-427. <https://doi.org/10.2307/1228948>

C) Cases

20. Marbury v. Madison, (U.S. Supreme Court 1803).
21. North Haven Bd. Of Educ. V. Bell, (United States Supreme Court May 17, 1982).
22. Church of the Holy Trinity v. United States, (U.S. Supreme Court 1892).
23. Sugarman v. Dougall, (U.S. Supreme Court 1973).

24. U.S. v. Dickerson, (U.S. Supreme Court May 27, 1940).
25. U.S. v. American Trucking Associations, (U.S. Supreme Court May 27, 1940).
26. Boston Sand & Gravel Co. V. U.S., (U.S. Supreme Court November 19, 1928).

مقاله آماده انتشار

References in Persian:

1. Amin, S. H. (2007). *History of Iranian Law*. Tehran: Daar al-maref Iran-shenasi ([In Persian](#)).
2. Amini, I. (2015). *Imam Khomeini (RA) and the Oppressed*. Tehran: Safiran ([In Persian](#)).
3. Assembly for the Final Review of the Constitution (1985). *Negotiation Report of Assembly for the Final Review of the Constitution*. Tehran: General Department of Cultural Affairs and Public Relations of the Islamic Council ([In Persian](#)).
4. Babayi, A. (2015). *Political Puzzles in Iran During the Revolution and After the Islamic Revolution*. Tehran: Omid Farda ([In Persian](#)).
5. Babayi, A. (2019). *Interpretation Schools*. Qom: Research Institute of Hawzeh and University ([In Persian](#)).
6. Beheshti, S. M. (2001). *Theoretical Foundations of Iranian Constitution*. Tehran: Boqe ([In Persian](#)).
7. Fatemi Qom, S. M. (2015). *Political Memoirs of Seyyed Mohammad Fatemi Qomi*. Tehran: Islamic Consultative Assembly Library, Museum and Documentation Centre ([In Persian](#)).
8. Guardian Council (2019). *Negotiations of the Guardian Council of the first period in 1359*. Tehran: Vice President Publication ([In Persian](#)).
9. Guardian Council Research Institute (2008). *A Collection of Views of the Guardian Council*. Tehran: Judiciary Publication ([In Persian](#)).
10. Guardian Council Research Institute (2018). *The Constitution of the Islamic Republic of Iran*. Tehran: Guardian Council Research Institute Pub.
11. Imami, H. (2007). *Civil Law*. Tehran: Islamiya ([In Persian](#)).
12. Jafari Langrudi, M. J. (1991). *Legal Terminology*. Tehran: Gange Danesh Publication ([In Persian](#)).
13. Jafari Langrudi, M. J. (2021). *Civil Law*. Tehran: Gange Danesh Publication ([In Persian](#)).
14. Katuziyan, N. (2020). *Philosophy of Law*. Tehran: Gange Danesh Publication ([In Persian](#)).
15. Katuziyan, N. (2020). *The Experimental Method of Law Research*. Tehran: Gange Danesh Publication ([In Persian](#)).
16. Katuziyan, N. (2020). *The Inheritance Law*. Tehran: Mizan ([In Persian](#)).
17. Katuziyan, N. (2021). *Introduction to Law*. Tehran: Gange Danesh Publication ([In Persian](#)).
18. Malik Zadeh, M. (2011). *Religious Foundations of Islamic Republic of Iran's Constitution*. Tehran: Islamic Revolution Document Center ([In Persian](#)).
19. Mohqiq Damad, S. M.; Pourmohammadi, R.; & Husaininasab, S. M. (2022). *Usul al-Fiqh*. Qom: Bustan Ketab ([In Persian](#)).
20. Montazeri, H. [no], *Diaries*. [no]: [no] ([In Persian](#)).
21. Montazeri, H. [no], *Views*. [no]: [no] ([In Persian](#)).
22. Naeini, A. (2019). *Iranian Civil Law Committee Report*. Tehran: Sahami Enteshar Pub ([In Persian](#)).
23. Pasha Saleh, A. (2017). *The history of Law*. Tehran: University of Tehran ([In Persian](#)).
24. Pourmohammadi, R. (2022). The Meaning of "Religious and Political Men" in The Light of Constitutional Interpretation Theories. *Gender and Family Studies*, 10 (1), 137-

- 162 (In Persian).
25. Pourmohammadi, R. (2023). *Introduction to Legal Interpretation*. Qom: Research Institute of Hawzeh and University (In Persian).
26. Pourmohammadi, R. & Simaei Sarraf, H. (2023). Role of Legislative History in Legal Interpretation. *The Judiciarys Law Journal*, 87 (123), 75-94. doi: 10.22106/jlj.2022.547173.4653 (In Persian).
27. Shahidi, M. (2022). *Inheritance*. Tehran: Majd Publication (In Persian).
28. Shriati, H. (1964). Compulsion to Fulfill the Obligation and Committee Report of Articles 729 and 730 of Iranian Civil Procedure Law. *Bar Association*, 89(16), 125-139 (In Persian).
29. Tabatabai, J. (2021). *Nation, State and Rule Of Law*. Tehran: Mino Kherad (In Persian).
30. Tayeb Hoseini, S. M. et al., (2017) *Typology of Tafsi*. Qom: Research Institute of Hawzeh and University (In Persian).

References In Arabic:

1. Ibn Shahid Thani, Hasan bin Zain al-Din (nodate). Landmarks of religion and a haven for diligent scholars. Qom: Islamic Publishing Foundation.
2. Isfahani, Muhammad Taqi bin Abdul Rahim (1429 BC). Guiding the guided in explaining the origins of the features of religion. Chapter 2, Qom: Islamic Publishing Institution, Volume 3.
3. Isfahani, Muhammad Hussein bin Abdul Rahim (1404 BC). Al-Gharwiyya chapters in the principles of jurisprudence. Chapter 1, Qom: Dar Revival of Islamic Sciences.
4. Taqwa Eshthardi, Hussein. (1418 BC). Revising the Principles. Tehran: Institution for Organizing and Publishing the Works of Imam Khomeini (S), Volume 1.
5. Hajj Ameli, Muhammad Hussein (1424 BC). Guiding minds to the topics of fundamentals (lesson reports outside of Ayatollah Subhanahi). Qom: The institution of Imam Sadiq, peace be upon him. Volume 2.
6. Haeri-Isfahani, Muhammad Hussein bin Abdul Rahim (1404 BC). Al-Gharwiyya chapters in the principles of jurisprudence. Qom: House of Revival of Islamic Sciences.
7. Hosseini Ameli, Muhammad Jawad bin Muhammad (1419 BC). The key to dignity in explaining the rules of the sign. Chapter 1, Qom: Islamic Publishing Foundation. Volume 18.
8. Hosseini Maraghi, Abd al-Fattah bin Ali (1417 BC). Jurisprudential titles. Chapter 2, Qom: Islamic Publishing Foundation. Volume 1.
9. Houmed, Abdul Wahab (1983 AD). In-depth studies in comparative criminal jurisprudence. Kuwait: Kuwait University.
10. Rashti, Habibullah bin Muhammad Ali (nodate). Deposits of ideas. Qom: The Ahl al-Bayt (peace be upon them) Foundation for the Revival of Heritage.
11. Al-Sabbat, Khaled bin Othman (1421 BC). The rules of interpretation collected and studied, Egypt: Dar Ibn Afwan.
12. A second martyr, Zain al-Din bin Ali (1416 BC). Preparing the rules. Qom: Islamic Notice Book, Qom Seminary, Publications Center.
13. Tabatabai Hakim, Muhammad Saeed (1414 BC). The arbitrator in the principles of jurisprudence. Qom: Al-Manar Foundation, volumes 2 and 5.
14. Abdel Sater, Hassan (1417 BC). Research in the science of principles (reports of a

- lesson outside Shahid Sadr). Beirut: Dar Al-Islamiyyah. Leather 7 and 9.
15. Allamah Hilli, Hassan bin Yusuf (1380). Tahtheeb Access to the Science of Principles. Muhammad Hussain Rizvi Kashmiri. Section 1, London: Imam Ali (peace be upon him) Foundation.
 16. Alam Al-Huda, Ali bin Al-Hussein (1376). The pretext to the principles of Sharia. Abu Al-Qasim Gurji. Section 1, Tehran: Danishgah Publications Tehran, Volume 1.
 17. Qomi, Mirza Abul-Qasim (1430 BC). Laws governing principles. Qom: Reviving Islamic Books, Volume 1.
 18. Kazemi Khorasani, Muhammad Ali (1376). Benefits of Principles (lesson reports from Mirzaei Naini). Qom: The group of teachers in the seminary, Volume 4.
 19. Kalantri, Abu al-Qasim (1383). Matarih Al-Ansar (Reports of Lesson Kharij by Sheikh Ansari). Qom: Academy of Islamic Thought, Volume 1.
 20. Kalbasi, Muhammad bin Muhammad Ibrahim (nodate). Messages of the investigator Al-Kalbasi. Qom: [with us].
 21. Muhaqqiq Hilli, Jaafar bin Hassan (1423 BC). Maaraj assets. Muhammad Hussein bin Rizvi Kashmiri. Chapter 1, London: Imam Ali, peace be upon him, Foundation.
 22. Muzaffar, Muhammad Reda. Fundamentals of jurisprudence. Ismailian, Qom, 1375 A.M. Volume 2.
 23. Najafi, Muhammad Hassan bin Baqir (1404 BC). Jewels of speech in explaining the laws of Islam. Abbas Qochani and Ali Akhundi. Beirut: Dar Revival of Arab Heritage. Volume 1, 15, 17, 25 and 41.

فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دورهٔ --، شمارهٔ --، --

ضوابط استناد به تاریخ تقنینی.../رضا پورمحمدی

فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دورهٔ --، شمارهٔ --، --

ضوابط استناد به تاریخ تقنینی.../رضا پورمحمدی